

پروازی شرافتمندانه در راه نبرد رهایی...

ویژگی‌های عرفانی شهید سیدعباس موسوی از زبان

شیخ حسین کورانی روحانی مبارز لبنانی

سال‌ها انس و الفت شیخ حسین کورانی روحانی مبارز لبنانی با شهید سیدعباس موسوی، این امکان را برایش فراهم کرد تا با خصوصیات و ویژگی‌های آن شهید بزرگوار از نزدیک آشنا شده و تحت تأثیر عشق بی‌شائبه و صادقانه سیدعباس موسوی وی را همراهی کند.

پاسخ کوتاه ایشان به پرسشی که درباره ویژگی‌های آن شهید می‌شود و همچنین سوگنامه‌ای را که برای او سروده می‌خوانید.



درآمد

سوار گشته و برای تحقق سه هدف به پرواز درآمد: تأسیس حوزه امام منتظر (عج) و حوزه الزهراء (س) و تبلیغ احکام اسلام.

نسیم صبحگاهی تهران نفس تازه به او دمید

دیبری نیابید که نسیم صبحگاهی در تهران نفس تازه به سیدعباس موسوی دمید. سیل خروشان رحمت الهی و حماسه آفرینی مردمی دشت‌ها و دره‌ها را سیراب کرد. آبشار نورانی پدر سیدمصطفی خمینی همه جا را منور کرد. انفجار نوری بود که دل سباهی شب تاریک و دراز را درید. همه ایمان با همه وجود در برابر همه کفر به میدان آمد. این بار چشمان کفر از مشاهده نور ایمان به وحشت افتاد. دل‌ها از شدت وحشت هراسان شدند. بار دیگر علی (ع) با ذو الفقار بر کشیده از نیام به میدان آمد. این بار عمرو بن عبدود عامری جرئت مبارزه جوئی نیافت. چرا که این بار همه اسلام به میدان آمده و چشم و گوش‌ها را پر کرده است. آنگاه رویای سیدعباس موسوی تحقق یافت. سید از اعماق دل لبخند زد و در برابر قدرت خدای متعال به سجده افتاد و دستان ستایش بر آسمان بلند کرد. امام خمینی (ره) نیز با مشکاه نور الهی میان توده مردم نمایان شد و آنگاه همه سرزمین‌ها با نور الهی بدرخشید.

سیدعباس زود هنگام در امام مسلمانان امام خمینی (ره) ذوب شد آن گونه که پیش از او آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر ذوب شده بود. (اشاره‌ای به گفتار شهید صدر که توصیه کرده بود: «در امام خمینی ذوب شوید آن گونه که ایشان در اسلام ذوب شده است»).

زبان ابا یاسر، همواره زبان امام خمینی (ره) بود. سخنان امام را تکرار می‌کرد: «ما بر خط امامان خمینی و بر اصولی که بنا نهاده اند حرکت می‌کنیم. ما را بکشید. ملت ما بیش از پیش بیدار می‌شوند». طلال سلمان سردبیر روزنامه السفير که یک روزنامه نگار سرشناس و انقلابی است روزی پرسید: «با شگفتی به سخنان سید گوش می‌دم. این پرسش در ذهن نقش بست که آیا هنوز کسی میان ما هست که با این زبان سخن بگوید؟».

پیروی از مقام رهبری

شهید سیدعباس موسوی روند رویدادهای پس از ارتحال امام را بسا دقت و به دور از هرگونه تملق پیگیری می‌کرد. به خاطر پیروی که از مبانی خط امام داشت، رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را تداوم خط امام خمینی (ره) می‌دید. پس به او اعتماد کرده و از ایشان پیروی نمود.

شوق وصال

پس از گذشت دو دهه چه زود با یکدیگر آشنا شدند. گرد و غبار دنیا را از لباس کهنه خویش تکاند، از روح محمدی و علوی خویش غبار تن را بشست. و سید الشهدای مقاومت اسلامی زود هنگام به مهمانی سرور خود ابا عبدالله الحسین (ع) شتافت و اگر ابو الفضل العباس (ع) سرور و دستش را برای رسیدن به حسین (ع) و دیدار رسول الله (ص) و لقاء الله تقدیم کرد. اما سیدعباس موسوی معتقد بود که اگر هیچ اثری از سر و بدنش نماند و بیکرش به خاکستر تبدیل شود، این ایثارگری به اندازه بند کوچک انگشتان ابا الفضل العباس که همه شهیدان راه آزادی به او غبطه می‌خورند، ارزش ندارد. ■

ایستگاه نزدیک به درگاه احدیت به فراگیری علوم اهل بیت (ع) پردازد. سید تربیت شده خانواده مومن و متدین هاشمی است که رویاهای سایر روحانیون جوان او را برای کسب علم و دانش سیراب نمی‌کرد. عصای مهاجرت را در جوار بارگاه ملکوتی جدش امیر مومنان (ع) بر زمین نهاد، تا از نور هدایت و دریای بیکران ایشان و رسیدن به حق و حقیقت، و تشخیص حق و باطل بهره‌مند شود.

سیراب شدن از نور هدایت

دستان تقدیر و عنایت الهی سید را به پدری مهربان (آیت‌الله سید محمدباقر صدر) سپرد. شهید صدر قلب و روح بزرگی داشت که جز برای عشق به معبود و محبت محمد مصطفی (ص) و اهل بیت علی مرتضی (ع) نمی‌تپید. لذا فراگیری علوم قرآن مهم‌ترین آرزوی سید بود تا برای تحقق آن توشه سفر و هجرت را بر دوش بسته بود. برای اعتلای نام و کلمه اسلام عزیز شهادت را سرلوحه خود قرار داد.

شهید سیدعباس در حوزه نجف اشرف گمشده‌اش را یافت و به جست‌وجوی نور هدایت و بارقه‌ای امید پرداخت. «الله نور السموات و الارض» این نور در طور سیناء و در سرزمین وحی و در مدینه العلم مولای متقیان در مقابل دیدگانش به روشنی درخشید و تجلی یافت. سیدعباس تشنگی خود را در مدینه العلم نجف برطرف می‌کرد. از سر چشمه زلال و حقیقی نور الهی سیراب گشت. و آیا علم حقیقی جز نور خداست که «یقفه الله فی قلب من یشاء». گرچه زمان حضور سید در مدینه العلم نجف کوتاه بود، اما تابش نور الهی در قلب سید شتابان و فراگیر بود.

بازگشت به میهن

بحران‌های فزاینده، سرزمین عراق را فرا گرفت، و سید بناچار آواره گشت و به میهن بازگشت. قلب خود را نزد جدش گذاشت. و بار دیگر براق سفر در خلق خدا را به سوی حق



در حقیقت ویژگی‌های معنوی و ابعاد عرفانی شخصیت شهید سیدعباس موسوی فراوانند و در این مقوله کوتاه به برخی از این ویژگی‌ها که از نزدیک شاهد آن بوده‌ام اشاره می‌کنم. شهید موسوی در دوران انقلاب اسلامی ایران که حضرت امام خمینی مدتی در فرانسه اقامت داشتند، حوزه علمیه شهر بعلبک در شرق لبنان را بر پا داشت، من و او در یک طبقه ساختمان حوزه سکونت داشتیم. او مردم را به حمایت از انقلاب اسلامی تشویق می‌کرد، و پس از پیروزی انقلاب نیز به پرورش نسلی با استعداد و طرفدار امام خمینی در بیروت و مناطق جنوب و بقاع مبادرت نمود.

بر پا داشتن نماز و نیایش رکن اساسی همه تلاش‌ها و کارهای او را تشکیل می‌داد. او بر لزوم مشارکت عمومی در نماز جمعه و نمازهای یومیه تأکید می‌کرد و نماز جمعه او در مسجد امام علی (ع) در شهر بعلبک ترک نمی‌شد. در سفرهای خارجی و یا هنگام شرکت در همایش‌های بین‌المللی و یا دیدار با مقام‌های سیاسی و وزیران دولتی، برپایی نماز برای او بسیار اهمیت داشت. از نیایش‌های مورد علاقه او این دعا بود: «أصحب اللهم معصماً بایمانک المنیع الذی لا یحاول و لا یقاوم من شر کل غاشم و طارق». هرگاه با جوانان مقاومت خدا حافظی می‌کرد این آیه را تلاوت می‌کرد: «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد». او همواره در اوقات فراغت، قرآن می‌خواند تا جایی که بسیاری از سوره‌ها را حفظ کرده بود، و گاهی اوقات اگر اوضاع امنیتی چندان مساعد نبود، و نمی‌توانست قرآن به‌دست گیرد، سوره‌های حفظ کرده را زمزمه می‌کرد.

مدتی از تکمیل ساختمان حوزه علمیه امام منتظر در شهر بعلبک نگذشته بود، که کلنگ ساختمان اولین حوزه علمیه بانوان در لبنان را به زمین زد. چرا که برای آموزش مسایل دینی و احکام شرعی بانوان اهمیت فراوان قابل بود، و همسرش ام‌یاسر در این زمینه به او کمک کرد. در عین حال توانمندی او در زمینه هماهنگی میان زندگان مقاومت و مردم از یک طرف و میان دولت و احزاب گوناگون سیاسی زیانزد همگان بود.

سوگنامه سیدعباس موسوی از زبان

شیخ حسین کورانی

ای یار

معمولاً، در این گونه بحث‌ها مبالغه‌گویی نیز وجود دارد اما، سعی خواهیم کرد بدون مبالغه‌گویی هجرت تو را از دنیای فانی خلاصه کنیم. من به عنوان دوست در مدت کوتاهی نیز همسایه تو بودم. به همه مراحل پرهیزکاریست ارج می‌نهم. همه قید و بندهای مشکلات شخصی را کنار گذاشتی، تا در سنگر رسیدگی به امور مسلمین موضع بگیری. اینها امتیازات کم نظیر شخصیت تو بودند که در عشق به مردم و سازندگی ساختار خانواده صمیمی و تاوام زندگی ساده و برپایی نمازهای خاشعانه، تجسم یافت.

عباس موسوی کیست؟

انسانی پر جنب‌وجوش که روح محمدی و علوی سرتاسر وجود او را به سوی نبرد رهایی و پیکار شرافتمندانه به پرواز درآورد و در حوزه علمیه نجف اشرف قرار دارد تا در مهم‌ترین